

## بازگشت ادبی

دوره ای در تاریخ ادبیات ایران از نیمه دوم قرن دوازدهم تا پیدایش ادبیات مشروطه در اوایل قرن چهاردهم. درباره آغاز و آغازکنندگان ادبیات این دوره میان صاحب نظران تقریباً اتفاق نظر هست اما درباره ماهیت این دوره ادبی و نامها و صفت‌هایی که بدان داده شده و تقسیم آن به دوره‌های فرعیتر و پایان و هدف آن اختلاف نظر بسیار و آراء گاه حتی بکلی متعارض است. با این حال بیشتر نویسندگان تاریخ ادبیات ایران و صاحب نظران ادبی معاصر به گونه‌ای «بازگشت» را بر این دوره اطلاق کرده‌اند هر چند که مرادشان از آن یکسان نیست. به احتمال قوی تعبیر «بازگشت» را نخستین بار ملک الشعرای بهار در نوشته به کار برده است (ارمغان دوره 13 ش 7 ص 441-448 ش 8 ص 519-526 ش 10 ص 720.713). او در سبک شناسی (ج 3 ص 316) پس از توصیف «انحطاط ادبی» عصر صفوی با عبارت «رستاخیز یا بازگشت» نیز از این دوره یاد کرده است. دیگران با تعبیرهای دیگری از آن یاد کرده‌اند از جمله: «نهضت نهضت جدید نهضت شعری جدید» (عباس اقبال «سیداحمد هاتف اصفهانی» ص 8-1) «نهضت ادبی» (جلال الدین همائی «ترجمه حال سروش اصفهانی» ص 15) «نهضت نو در شعر فارسی» و «دوره بازگشت» در شعر و نثر (ذبیح الله صفا «ادب» ص 679-681) «نهضت بازگشت یا تجدید حیات ادبی» (رعدی آذرخشی ص 94) «نهضت بازگشت به سبک قدما» در توصیف مرحله اول و «مکتب ادبی» در توصیف مرحله دوم آن (عبدالحسین زرین کوب ص 151-154) «نهضت ادبی» و «نهضت نسبتاً مهمی در شعر فارسی» (یحیی آرین پور ص 13). در نوشته‌های دیگران داوریه و ارزشیابیهای افراطی و تفریطی از کاربرد تعبیرها پیداست. برای مثال نویسنده ای با عبارات «نهضت بزرگ ادبی» و «رساناس ادبی» از آن یاد می‌کند (ابراهیم صفایی ص 2 و 3). نویسنده مقاله «فارسی ادبیات» در دایرة المعارف فارسی مصاحب کلمه رجعت را برای توصیف این دوره به کار می‌برد آن هم نه در معنای لغوی کلمه و نه مترادف با بازگشت بلکه با باری منفی و به معنای ارتجاع و حتی تصریح می‌کند که این دوره را دوره «بازگشت» یا «نهضت» خوانده‌اند اما باید آن را دوره «رجعت» نامید (همانجا). به هر حال اختلاف نظر در انتخاب و استعمال اصطلاحات برای اطلاق بر این دوره از تفاوت تلقیهای ادبی و نیز دیدگاههای متفاوت درباره ماهیت ادبی آن حکایت می‌کند.

بازگشت در شعر. در نیمه قرن دوازدهم تقریباً از اواخر عصر افشاریه حرکت تازه ای در شعر فارسی آغاز شد و تنی چند از شاعران به فکر پیروی از اسلوبهای کهن شعر فارسی - سبک خراسانی (یا ترکستانی) و سبک عراقی - افتادند و این طرز را در شعر «شیوه متقدمین» یا «طرز قدما» خواندند یا با عبارتهای دیگری از این قبیل نامیدند. لطفعلی آذر بیگدلی \* (1134-1195) که خود از پیشگامان بازگشت ادبی است در هیچ جای آتشکده آذر «بازگشت ادبی» یا عبارتی نظیر آن به کار نبرده است. عین عبارتی که وی در ترجمه مشتاق اصفهانی \* (1100-1171) پیشگام اصلی بازگشت ادبی در شعر ذکر کرده این است: «از آنکه سلسله نظم را سالها بود که به تصرفات نالایق متأخرین [ مقصود شعرای عصر صفوی و بعد است ] از هم گسیخته به سعی تمام و جهد مالاکلام او [ یعنی مشتاق اصفهانی ] پیوند اصلاح یافته ... و بنای نظم فصحا بلاغت شعرا متقدمین را تجدید کرده» (ص 416). آذربیکدلی فقط از تجدید اسلوب متقدمان یعنی شیوه شعرای پیش از عصر صفوی سخن به میان آورده است و از کلام او نکته دیگری جز این استنباط نمی‌شود. عبدالرزاق دنبلی (1176-1243) در حدائق الجنان و محمود میرزا قاجار در سفینه محمود و رضاقلیخان هدایت (1215-1288) در مجمع الفصحا (ج 1 ص 10) در شرح حال مشتاق اصفهانی مطلب و نکته ای افزون بر گفته آذر بیگدلی نیاورده‌اند و درباره سایر شعرای بازگشت نیز فقط انشای مطلب آنها تفاوت دارد. البته رضاقلیخان در ادامه مطلبش افزوده است که طرز ادبی مشتاق و همگامان وی به مراتب عالی‌تر است تا اینکه جمعی از فضلا و فصحا در عصر قاجاریه طریقه قدما را به صورت کامل آن برگزیدند.

حرکت بازگشت از شهر اصفهان شروع شد هر چند که در دوره استیلای افغانها و عصر انحطاط و افول پس از آن شهر آباد اصفهان ویران شده بود و دیگر مفر حکومت و مرکز اصلی سیاست نبود و مردم آنجا از جمله اهل علم و ادب در بلاد متعدد پراکنده شده بودند. شهرهای شیراز و کاشان و تهران پس از اصفهان به حرکت بازگشت گراییدند. شاعرانی که پیشگام حرکت نو ادبی شدند عبارت‌اند از سیدمحمد شعله اصفهانی (متوفی 1160) و میرسیدعلی مشتاق اصفهانی و میرزا محمدنصیر اصفهانی (متوفی 1192). به کوشش این سه تن بویژه به اهتمام و تشویق مشتاق محفلی از شعرا در اصفهان تشکیل شد و شاعران با استعدادی چون عاشق اصفهانی \* (1111-1181) و صهبا قمی \* (متوفی 1191) و لطفعلی آذر بیگدلی و هاتف اصفهانی \* (متوفی 1198) و صباحی بیدگلی کاشانی \* (متوفی 1206 یا 1207) و رفیق اصفهانی \* (متوفی 1226) و عده ای دیگر گردهم آمدند و به بحث و گفتگو و سرودن شعرهایی به شیوه شاعران بلندآوازه قدیم پرداختند. مشتاق شخصا به شعر حافظ و بیشتر به غزل و رباعی راغب بود و از حافظ و سعدی استقبال می‌کرد اما اعضای محفل ادبی او به شیوه شاعران عصر پیش از مغول خاصه فردوسی و عنصری و فرخی و منوچهری و انوری و خاقانی نظر داشتند و نحوه بیان و نوعاً مضمونهای شعر آنان را سرمشق خود ساختند. مشتاق اصفهانی درباره جلوس نادرشاه و فتح هندوستان و قندهار و بلخ و ایروان و شکست و فرار افغانها به دست نادرشاه اشعاری به سبک شاعران قدیم می‌ساخت. آذر بیگدلی قصاید غرا به شیوه قدما و طبیب اصفهانی \* (متوفی 1168) مثنوی به تقلید نظامی گنجوی می‌سرود. قصیده‌های هاتف اصفهانی به سبک امامی هروی شاعر معاصر سعدی و گاه به شیوه خاقانی بود. عبدالرزاق دنبلی که از پیشگامان بازگشت در نثر است شعر هم می‌گفت و در قصیده به امیر معزی اقتفا می‌کرد و غزل را به سبک قدما می‌سرود. این شاعران و عده کثیری از پیروان و دست پروردگان ایشان ذهن مردم را از سبک غالب رایج در دوره پس از مغول و تیموری بتدریج دور ساختند و حرکتی را آغاز کردند که پس از مدتی دامنه اش از شعر گذشت و به نثر فارسی سرایت کرد و موجب تغییر

سبک ادبی گردید و بعدها در دوره قاجاریه (رجوع کنید به سطور پایین) پخته تر و سخته تر شد.

نکته درخور تأمل اینکه این حرکت بی مقدمه و یکباره یا فقط به اراده و خواهش یا به ذوق و قریحه مشتاق اصفهانی و همگامان او و فارغ از تطورات ادبی و تحولات جامعه آغاز نشده و تحولی بیسابقه و ناگهانی نبوده است. در دوره صفوی همه شاعران به سبک رایج در آن عصر شعر نمی سرودند. شاعران بسیاری بودند که در قصیده و غزل سبک قدما را پیروی می کردند یا شعرشان تقلید سبک رایج در آن عهد نبود و اصالت و استقلال نسبی داشت. محمد محیط طباطبایی می گوید که عده ای به دنبال آذر بیگدلی مرتکب اشتباه شده اند و آغاز «تحول اسلوب سخن» را روزگار مشتاق و عاشق شمرده اند حال آنکه «تبع سخن سخنوران عهد شاه سلطان حسین چنین دلالت می کند که این تحول سبک سخن در اواخر قرن یازدهم آغاز شده بود و شعرای نیمه اول سده دوازدهم از حیث قوت اسلوب خود را از سیاق سخن هندی پسند دور کرده بودند» (رجوع کنید به مقدمه وی بر دیوان مجمر ص ید). در واقع تبحر بارز نخستین شعرای بازگشت در سرودن قصیده و غزل به شیوه قدما گواه آشکار دوام سنتی ریشه دار و انس و الفت عمیق با قالب و جان شعر قدیم است و گرنه طبیعی است که هیچ شاعری هر چند مایه ور باشد نمی تواند در بدو امر به این درجه از تسلط بر کلام و فنون شعری دست یابد.

جلال الدین همائی که عهد تنی چند از استادان قدیم شعر اصفهان را شخصا درک کرده برای سبکهای شعر فارسی اصطلاحهای دیگری اختیار کرده است و سبک شاعران دوره بازگشت را که به تصریح او از انجمن مشتاق اصفهانی آغاز شد و «اثرش به قرن 13 و 14 رسید و هنوز هم آن شیوه مابین شعرای مکتب قدیم شایع و متداول است» (مقدمه وی بر دیوان طرب اصفهانی ص 113) «سبک عراقی جدید» و «سبک عراقی اصفهانی جدید» (همان ص 115) در مقابل «سبک عراقی قدیم» و «سبک عراقی متوسط» (= سبک اصفهانی / هندی) نام داده است. به نظر او حاصل ادبی انجمن مشتاق و شعر شاعران بازگشت ظهور سبک تازه ای در غزلسرایابی بوده و این سبک تازه «آمیخته ای است از سبک عراقی قدیم و متوسط» (همان ص 116) سبکی که عنصر غالبش از سبک عراقی و چاشنی آن از سبک اصفهانی / هندی بوده است و اکثر شعرای اصفهان در قرن 13 و 14 پیرو همین سبک بوده اند.

پس از روی کار آمدن سلسله زندیه و استقرار آرامش در عصر حکومت وکیل الرعایا کریمخان زند حرکت بازگشت ادبی نضج گرفت. کریمخان شخصا شعر دوست و شاعر پرور نبود اما فراغ بال سی ساله حکومت نسبتا سالمش به بازار ادب و هنر رونق نسبی داد. شعرا در عصر زندیه محفل ادبی داشتند و حرکتی را که سالها پیشتر آغاز شده بود به طور منظم ادامه می دادند. میرزا عبدالوهاب موسوی اصفهانی در زمان کریمخان زند حاکم و کلانتر اصفهان شد و شاعرانی که از سبک رایج بیزار و به طرز قدما مایل بودند به تشویق او و در منزل شخصی او انجمن ادبی تشکیل دادند. به ترغیب وی بازار شاعری در اصفهان که مرکز ادبی بود رونق گرفت. میرزا حسین وزیر فراهانی متخلص به وفا وزیر زندیه که مردی ادیب و سخن شناس و معتقد به طریقه بازگشت بود و کتابخانه ای از نفایس آثار داشت در شیراز محفل ادبی دایر کرد (رجوع کنید به عبدالحسین زرین کوب ص 151-166). میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی (1175-1244) فاضل و ادیب و منشی و از شعرای اوایل عصر قاجار در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار (حک: 1210-1211) حاکم اصفهان شد و در آنجا مانند نیای خود میرزا عبدالوهاب موسوی محفل شعرا را که در واقع انجمن عمده ادبی شهر بود تشکیل داد. به گفته رضاقلیخان هدایت محفلش «مجمع شعرا و ظرفا» بود. این محفل در قیاس با محافل ادبی سابق با آگاهی بیشتر به اسلوبهای گوناگون شعری توجه می کرد (رجوع کنید به یحیی آرین پور ج 1 ص 14 عبدالحسین زرین کوب ص 178). پس از آنکه نشاط اصفهانی برای تصدی بعضی امور دیوانی به دربار تهران احضار و انجمن نشاط در اصفهان تعطیل شد حجره مجمر در مدرسه کاسه گران به صورت مجمع سخنسرایان شهر درآمد (رجوع کنید به مقدمه محمد محیط طباطبایی بر دیوان مجمر ص ید).

آرامش نسبی دوره قاجاری پس از سالها آشوب و فتنه شعر دوستی شاهان و شاهزادگان این سلسله تشویقهای آنان از شاعران و بعضی عوامل مساعد دیگر موجب شد تا بازار شعر و شاعری که در آن عصر پناهگاه دیگری برای رشد خود نداشت رونق بگیرد. حرکتی که مشتاق اصفهانی و همگامانش آغاز کرده بودند به همت کسانی که در محافل ادبی آنان پرورش یافته یا از آن محافل تأثیر پذیرفته بودند بویژه از طریق محفلهای ادبی به رغم تغییرات سیاسی از دوره افشاریه و زندیه به عصر قاجاریه انتقال یافت. سیدمحمد سحاب شاعر بزرگ عصر فتحعلیشاه پسر هاتف اصفهانی بود و شرر بیگدلی شاعر اوایل عصر قاجار و پسر لطفعلی آذر بیگدلی فتحعلی خان صیای کاشانی (ح 1238-1179) ملک الشعرا دربار فتحعلیشاه شاگرد صباحی بیدگلی. فتحعلی خان صبا و میرزا بزرگ عیسی قائم مقام\* که پس از انقراض سلسله زندیه به دستگاه و دیوان قاجار راه یافتند راه و روش مشتاق اصفهانی و صباحی بیدگلی را به شاعران بزرگ آن دوره منتقل ساختند و حرکت بازگشت را تداوم بخشیدند. فتحعلی خان صبا پس از مشتاق و آذر و هاتف و صباحی در جریان بازگشت ادبی نقش عمده ایفا کرد. نشاط اصفهانی مجمر اصفهانی (ح. 1190-1225) وصال شیرازی (1192 یا 1262-1193) یغمای جندقی (1196-1276) و فروغی بسطامی (1213-1274) و حبیب الله قانانی (1223-1270 یا 1272) سروش اصفهانی (1228-1285) صفی علیشاه (1251-1316) میرزا حبیب خراسانی (1266-1327) و فتح الله خان شیبانی (متوفی 1308) از بزرگترین شاعران عصر قاجارند که شیوه شعرای دوره بازگشت را ادامه دادند و هر یک به صبغه فکری و هنری خاص خود سنت ادبی آنان را پرمایه و برای تحولات ادبی بعد آماده تر ساختند.

بازگشت در نثر. در اواخر حکومت زندیه و مدتی پس از حرکت بازگشت در شعر تغییرات اندکی در شیوه نثرنویسی

پدیدار شد. نثر فارسی با آهنگی کندتر از آن شعر از تصنعات و تکلفات خود کاست و رفته رفته از حشو و زواید پیراسته شد. به تجربیات گذشتگان و امکانات نثر فارسی توجه شد. بویژه از اوایل عهد قاجار تحول نثر سرعت بیشتری یافت و نویسندگانی پیدا شدند که شیوه نثرنویسی را دگرگون کردند و بنایی گذاشتند که در آن قواعد فارسی نویسی صحیح بیشتر رعایت شد.

از میان نویسندگانی که بانی تحول نثرند تنی چند به شرح زیر یادکردنی اند: عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون صاحب تسلية الابرار اثری که به گفته ملک الشعراء بهار (1321 ج 3 ص 320-321) از شاهکارهای قرن دوازدهم هجری و نمونه آثار دوره بازگشت ادبی است میرزا رضی (متوفی 1222) صاحب چند رساله و مترجم یک اثر تاریخی به فارسی در آغاز عصر قاجاریه (نامه مشهوری که از سوی فتحعلیشاه قاجار به ناپلئون اول نوشته شده به قلم اوست) وقایع نگار \* (متوفی 1250) میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (1193-1251) نویسنده و منشی و شاعر و وزیر که انشای فارسی را با کلمات محاوره ای درآمیخت و نثر را به ایجاز و اختصار و سادگی سوق داد و در حقیقت به قالب نثر فارسی روح تازه ای دمید و تقریباً آن را برای کاربرد در همه زمینه ها آماده ساخت. نسب نثر روزنامه ای سالم و فصیح عصر مشروطیت به نثر قائم مقام می رسد و کاربرد این نثر در جرید در حقیقت عامل مؤثر پذیرش آن در میان طبقات باسواد جامعه ایرانی بود. منشآت فاضل خان گروسی (1198-1253) نمونه اعلای فصاحت عصر خود بود. صاحب دیوان (متوفی 1256) محرر رسایل محرمات شاه (امین رسایل) از نویسندگان طراز اول عصر قاجار به شمار است. رضاقلیخان هدایت به گفته ادوارد براون (ص 219) یکی از بزرگترین نویسندگان ایران در قرن سیزدهم است (نیز رجوع کنید به کریستف بالائی و میشل کویی پرس ص 18-19). میرزا محمدتقی سپهر (متوفی 1297) ملقب به لسان الملک صاحب ناسخ التواریخ از نثرنویسان معروف این دوره است. عبداللطیف طسوجی (متوفی ح 1297) مترجم هزارو یک شب از عربی که در ترجمه به زبان فارسی شأن بالایی دارد صاحب یکی از استوارترین و زیباترین نثرهای قاجاری است. مجدالملک سینکی (متوفی 1298) و پسرش امین الدوله صاحب رساله مجدیه از نثرنویسان چیره دست اند. مهمترین نثرنویسان دیگر این دوره عبارت اند از: بدایع نگار (متوفی 1299) فرهادمیرزا معتمدالدوله (1305-1233) امیرنظام گروسی (1236-1317) از منشیان نامی نادمیرزا (1242-1303) محمدطاهر میرزا (1250-1316) نمایشنامه نویس و مترجم آثار الکساندر دوما و ترجمه های متعدد از زبان فرانسه به فارسی و از پیشگامان نهضت ترجمه در ایران معاصر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (1259-1313) که آثار تاریخی و تحقیقی بسیاری به قلم او یا منسوب به اوست (ترجمه هایی نیز از زبان فرانسه به فارسی به وی منسوب است که از لحاظ نثر حایز اهمیت است) محمدحسین فروغی ملقب به ذکاءالملک (1255-1325) ادیب و شاعر و روزنامه نگار و به اصطلاح امروز «ویراستار» دارالترجمة همایونی که سهم بارزی در اصلاح نثر فارسی دارد.

با کوشش این دسته اخیر و عده دیگری از نویسندگان و مترجمان که در سنت بازگشت ادبی در نثر گام برمی داشتند نثر فارسی از بند لغایه های منشیانه رست و از تواناییهای بالقوه و بالفعل خود در حدی که مقتضای زمان بود بهره مند گردید و به نثر سالم در خدمت معنی تبدیل شد. تحول نثر هرچند به طوری که اشاره رفته به سرعت تحول شعر نبود تداوم و عمق داشت.

از دوره ناصرالدین شاه که ایرانیان با افکار اروپایی و تحولات مادی و معنوی دنیای غرب آشنا تر شدند و ترجمه نوشته های فرنگی رواج یافت و انتشار مرتب جرید آغاز شد تحول نثر فارسی شتاب بیشتری گرفت و نثر وارد مرحله ای تازه شد و به خدمت وظایف تازه ای درآمد. پس از تأسیس دارالفنون و ترجمه متون به زبان فارسی برای مقاصد آموزشی نثری که قائم مقام در آن تحول ایجاد کرده بود در این ترجمه ها به کار رفت و در رشته های مختلف علمی اثری گذاشت که تا زمان ما محسوس است. نثر وسیله ارتباطی مؤثری برای بیان تحولات مادی و معنوی و گزارش مسائل اجتماعی و انتقادی و توصیف و تحلیل شناخته شد و از نیرو بخش عمده وظایفی که در سنت ادبی ایران معمولاً شعربر عهده داشت به نثر واگذار گردید و در عین آنکه دامنه کاربرد نثر روز بروز گسترش یافت این امکان برای شعر فارسی فراهم آمد که بیشتر در خدمت بیان حالات و عواطف درونی شاعر قرار گیرد و به هدفهای اصلی و اصیل شعر نزدیکتر شود. به این ترتیب نثر دوره بازگشت که در ابتدا دنباله رو تحول شعر بازگشت بود هم خود بالید و به راههای تازه افتاد و هم به بالیدن شعر و تحول آن کمک کرد.

نکته دیگری که در تحول نثر فارسی درخوردگر است اینکه نثر دوره بازگشت و تحول پس از آن متأثر از زبانهای فرنگی نیست چه پیش از آنکه ترجمه از زبانهای فرنگی آغاز شود و ایرانیان با افکار جدید مغرب زمین آشنا شوند بازگشت ادبی و آگاهی به جنبه های قوی و استوار نثر قدیم و امکانات متنوع آن در عرصه های مختلف نثر فارسی را به جانب سلامت و سلاست سوق داده و ظهور کسانی چون قائم مقام این حرکت را خاصه در نثر به اعتنا رسانیده بود. البته بعدها ترجمه از زبانهای خارجی - صرف نظر از آسیبهایی که مترجمان مقلد و ناآشنا به زبان ترجمه رساندند - در بهبود نثر فارسی بی تأثیر نبود اما انگیزه اصلی این تحول از محیط ایران و از خود نثر و اهتمام نثرنویسان سرچشمه گرفته بود. پس از انقلاب مشروطیت نویسندگان با استفاده از زبانی که خداوندان نثر فارسی در دوره بازگشت احیا و هموار کرده بودند توانستند مقاصد خود را به بهترین و مؤثرترین وجه بیان کنند و گذشته از رسیدن به هدف تأثیر کلام نثر فارسی را به سهم خود تقویت کنند و غنا ببخشند.

نتیجه گیری. دوره بازگشت ادبی که پس از عصر صفویه آغاز شد حدود یک قرن ونیم بعد به ادبیات متحول عصر مشروطه انجامید. تحول ادبی عصر بازگشت هم در عرصه شعر بود و هم در زمینه نثر. در این دوره به دلایل بسیار از

جمله دلایل تاریخی و اجتماعی و علل و اسبابی که موجب تغییر سبکهای ادبی است سبک هندی در شعر کنار گذاشته شد و سبک قدیم خراسانی (یا ترکستانی) و سبک عراقی سرمشق قرار گرفت در نثر از تکلف و تصنع و فنون صرفا منشیانه پرهیز شد و نثر با توجه به تجارب و ذخایر ادبی گذشته به غایت حقیقی خود که همانا ابلاغ منظور و معنی است نزدیک گردید و از صنعتهایی که مغایر با معیار هنری عصر بود رهایی یافت و با ذوق و سلیقه متعارف جامعه در آن عهد سازگاری بیشتری یافت.

نثر فارسی در دوره بازگشت ادبی به سادگی گرایید و به قوام و پختگی رسید. این نثر به لحاظ خلاقیت و اصالت سبک و روش جایگاه خاصی در تاریخ ادب فارسی و در کنار سایر اسلوبهای اصیل نثرنویسی دارد. نثر دوره بازگشت پس از نیل به قوام و استحکام در عصر قاجار در متون درسی دارالفنون و جراید عصر مشروطه و نشریات ادبی آن دوره به کار رفت و به دست صاحب قلمانی چون محمدعلی فروغی و علی اکبر دهخدا و عده دیگری از نویسندگان دوره بعد به نثر روانتر و استوارتر تبدیل شد و برای استفاده در زمینه های گوناگون خاصه نثر علمی و ادبی و خبری آمادگی یافت.

ایراد عمده ای که مخالفان ادبیات بازگشت به شعر آن دوره می گیرند - باید گفت که حساسیتها عمدتا متوجه شعر است و نثر دوره بازگشت آماج انتقاد نیست - این است که شعرای آن دوره فقط مقلد شعرای قدیم بوده اند و خود سبک و سخن و اندیشه و مضمون و زبان اصیل نداشته اند و چه مقلدان موفق با شند (به زعم عده ای) و چه مقلدانی ناموفق (به نظر عده ای دیگر) دوره بازگشت ادبی از نظر شعر شاعری اهمیتی ندارد و به روایتی حتی اگر یکسره نادیده گرفته شود گزندی به تاریخ ادبیات ایران نمی رسد.

اما اگر تحولات سریع اجتماعی و تغییرات ناگهانی سیاسی عصر قاجار و دوران متعاقب آن را که بر هنر و ادب تأثیر عمیق گذاشته است و نیز گرایشهای ادبیات معاصر را در نظر آوریم و از طرف دیگر سلیقه های شخصی بسیاری از خرده گیران را که ارزش ادبی دلخواه خود را در شعر آن دوره نمی یابند کنار بگذاریم می بینیم که همه جنبه های این ادبیات را نمی توان بی ارزش یا حتی کم ارزش شمرد. بی گمان بسیاری از زوایا و خفایای ناگوار این دوره ادبی با تحقیقات جدی ادبی روشن خواهد شد اما از میراث ادب فارسی که پس از تحول سبک ادبی در دوره بازگشت به دوره معاصر رسیده است به اجمال این نکته آشکار است که ادبیات عصر بازگشت برخلاف دوره هایی ادبی که با گذشت زمان بتدریج از امکانات و تازگی و اصالتشان کاسته می شود روی به اعتلا داشته است و شاعران متأخر این دوره از شعرای متقدم همان دوره بمراتب چیره دست تر بوده اند و زبان فارسی در شعر و نثر دوره بازگشت سلاست و قدرت بیانی سابق خود را کم و بیش بازیافته و ادبیات کم رفق و کم رونق آغاز عصر بازگشت پس از تحولات ادبی آن عصر به دستمایه ای غنی تبدیل شده است به گونه ای که شاعران و نویسندگان توانسته اند برای آفرینش ادبی از استعدادها متعدد آن بهره مند شوند. اگر سهم «بازگشت ادبی» را در تاریخ ادبیات ایران فقط به این موارد منحصر بدانیم باز هم با عصری روبرویم که جایگاه آن در عرصه ادب محرز است.

منابع : لطفعلی بن آقاخان آذربیکدلی آتشکده آذر چاپ جعفر شهیدی تهران 1337 ش یحیی آربین پور از صبا تا نیما تهران 1350 ش مهدی اخوان ثالث «نیما مردی مردستان» اندیشه و هنر ش 9 (فروردین 1339 ش) عباس اقبال آشتیانی «سیداحمد هاتف اصفهانی» در دیوان هاتف اصفهانی چاپ وحید دستگردی تهران 1345 ش کریستف بالایی و میشل کویی پرس سرچشمه های داستان کوتاه فارسی ترجمه احمد کریمی حکاک تهران 1366 ش ادوارد گرانویل براون تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر ترجمه غلامرضا رشید یا سمی تهران 1329 ش ج 4 محمدتقی بهار «بازگشت ادبی» ارمغان دوره 13 ش 7 8 10 (مهر آبان دی 1311) همو سبک شناسی تهران 1321 ش مهدی حمیدی شیرازی شعر در عصر قاجار تهران 1364 ش غلامعلی رعدی آذرخشی «دربار سبکهای شعر فارسی و نهضت بازگشت» نامواره دکتر محمود افشار تهران 1364 ش عبدالحسین زرین کوب سیری در شعر فارسی تهران 1363 ش ریکاردو زیبولی چرا سبک هندی در دنیای غرب سبک باروک خوانده می شود؟ تهران 1363 ش محمدرضا شفیعی کدکنی ادوار شعر فارسی : از مشروطیت تا سقوط سلطنت تهران 1342 ش ذبیح الله صفا «ادب» ایرانشهر تهران 1342 ش ج 1 ابراهیم صفایی نهضت ادبی ایران در عصر قاجار تهران 1344 ش ابوالقاسم بن رضاقلی طرب اصفهانی دیوان طرب چاپ جلال الدین همایی تهران 1342 ش حسین بن علی مجمر دیوان مجمر اصفهانی تهران 1345 ش محمود قاجار شاهزاده ایران سفینه محمود چاپ عبدالرسول خیامپور تبریز 1346 ش مصاحب ذیل «عاشق» و «فارسی ادبیات» عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنلی حدائق الجنان زین العابدین مؤتمن تحول شعر فارسی تهران [ تاریخ مقدمه 1339 ش ] نیمایوشیچ ارزش احساسات چاپ ابوالقاسم جنتی عطائی تهران 1335 ش رضاقلی بن محمدهادی هدایت مجمع الفصحا چاپ مظاهر مصفا تهران 1336-1340 ش جلال الدین همایی «ترجمه حال سروش اصفهانی» در دیوان سروش اصفهانی چاپ محمدجعفر محبوب تهران 1339 ش

K. Amiri Firuzkuhi, Aseq Esfahani | ", Encyclopaedia Iranica , vol. II, Fas. 7, p 742-743; M. R. Shafi | ei | Kadkani | ", "Persian Literature (Belles-Letters) from Time of Jami to the Present Day", in History of Persian Literature from the Begining of the Islamic Period to the Present Day, ed. by Morrison, Leiden 1981.

/ عبدالحسین آزرنگ /

<http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=204>

---

*History Site of Mirhadi hoseini*